

خنده زن

برای دخترم گلناز ،
که با فرا رسیدن خرداد هفت ساله می شود

خنده زن بر هر چه هست و هر چه نیست ،
بر همه بود و نبود !

تا گرفتار بلایا نیستی ،
تا درونت خانه ی صلح و صفاست ،
تا نمی دانی که دل بستن خطاست ،
تا نمی دانی گسستن سهل نیست ،
تا هر اسی نیستت از آنچه رفت ،
تا که ترس جمله فرdahات نیست ،
خنده زن !

دخترم ...
آرزو دارم که بر لبهای تو تا به جانم نیمه جانی باقی
است ،
هر صبا ح و شامگاه ،
غنچه لبخند بینم ، خنده زن !

دخترم ...
خنده زن بر هر چه هست و هر چه نیست ،
بر همه بود و نبود !

رضا شاپوریان
شیراز - ۲۶ اردیبهشت

خنده زن !
خنده زن ، تا جان من از شوق در رقص آوری !
خنده زن ، دخترم ...

تا می توانی خنده زن !
دیر یا زود ای عزیز ،
رنجهای زندگی ،
خاطر آسوده ات را با سرانگشت پلید ،
از جفا خواهد خلید !

دخترم ...
تا هنوزت فرصتی باقی است ،
در بستنسرای زندگی ،
خنده زن !
دیر یا زود این گلستان خانه غم می شود ،
و درون پاک تو با رنج همدم می شود ،
و زمان خنده ها خواهد گذشت !
دخترم خنده زن !